

اینجا پارک کودکان است، بیاید برویم!

بابا کوچولو!

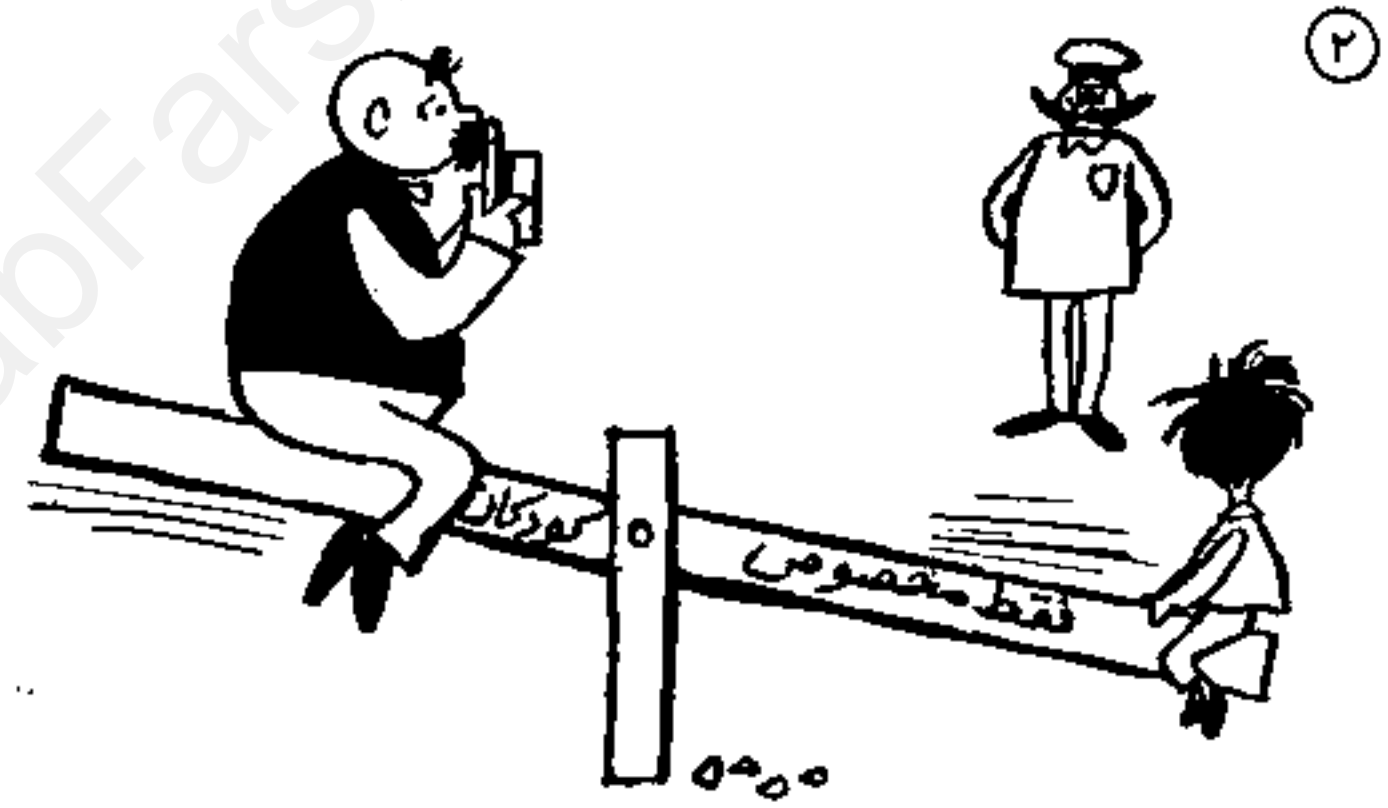
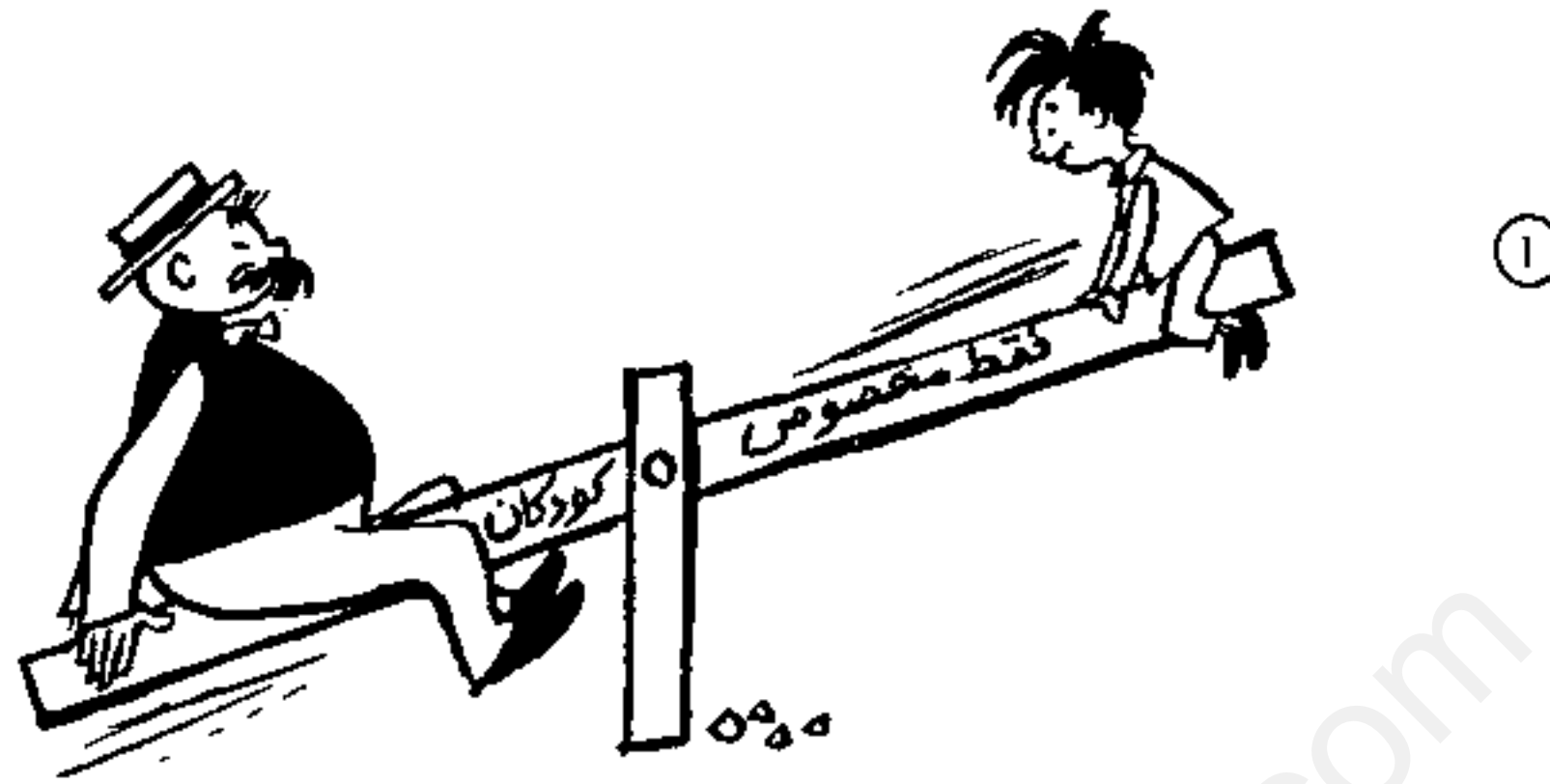
بابام مرا به پارک کودکان برد. آنجا اسباب بازی فراوان بود. تاب و سُرُسره و آلاکلنگ هم بود. خیلی بازی کردم. دلم می‌خواست سوار آلاکلنگ بشوم، ولی بچه‌ای نبود که در طرف دیگر آلاکلنگ بنشیند.

بابام دلش برایم سوخت. گفت: بیا، عیبی ندارد. باهم سوار می‌شویم!

خوشحال شدم. من یک طرف آلاکلنگ نشستم و بابام طرف دیگر آن نشستم. داشتیم آلاکلنگ بازی می‌کردیم. بالا و پایین می‌رفتیم و لذت می‌بردیم که ناگهان نگهبان پارک آمد. همان نزدیکیها ایستاد و به ما خیره شد. بابام فوری کلاهش را از سرش برداشت و جلو سیبلش گرفت.

نگهبان پارک جلوتر آمد و به بابام گفت: مگر نمی‌بینید که روی آن آلاکلنگ نوشته شده است فقط مخصوص کودکان! بابام از خجالت خودش را، مثل بچه‌ها، کوچولو کرد. کلاهش را هم همان‌طور جلو سیبلش گرفته بود.

دلم برایش سوخت. دستش را گرفتم و گفتم: بابا کوچولو،



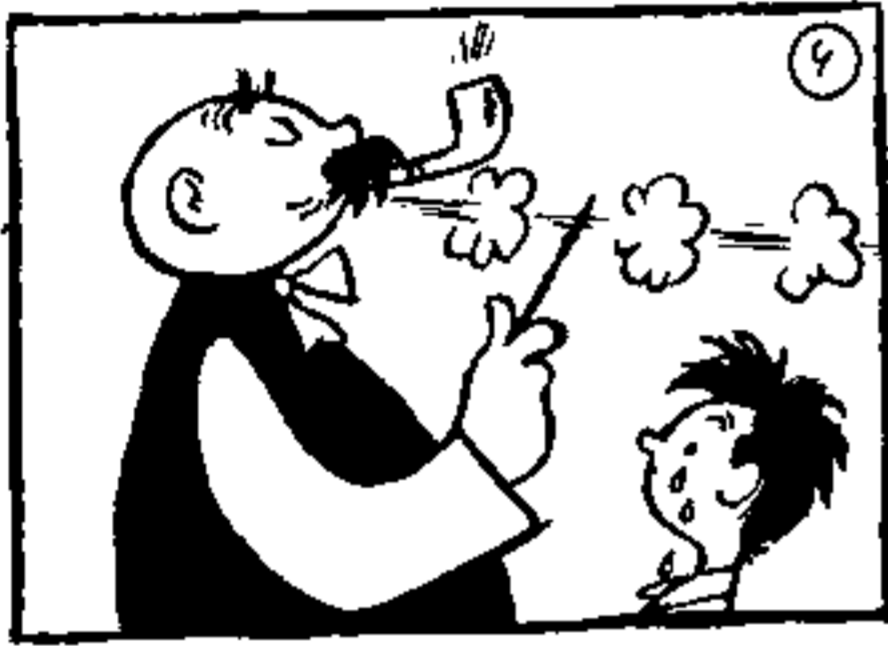
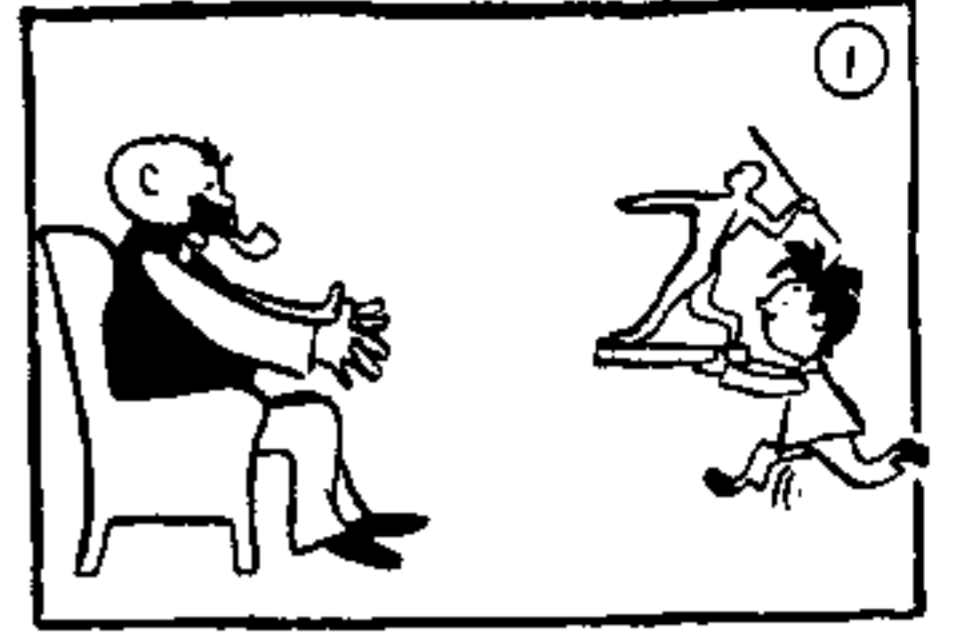
هدیه

روز تولد بابام بود. از پولهای پس اندازِ خودم برای بابام هدیه ای خریده بودم. هدیه ام مجسمه مردی بود که نیزه در دست داشت. مجسمه را از چینی ساخته بودند.

همه اش مواظب بودم که چه وقت بابام می رود و توی اتاق می نشیند تا هدیه را ببرم و به او بدهم و بگویم: بابا، بابای خوبم، تولدت مبارک!

تا دیدم بابام رفت و توی اتاق نشست، مجسمه را برداشتم و توان کوان پیش بابام رفتم. ولی درست جلو پای بابام به زمین افتادم و مجسمه تکه تکه شد.

دلم خیلی سوخت و گریه ام گرفت. از آن مجسمه قشنگ فقط نیزه اش باقی مانده بود. بابام نوازشم کرد و دلداریم داد که غصه نخورم و گریه نکنم. بعد هم از میان تکه های مجسمه شگسته نیزه را برداشت. پیشش را باز کرد و با آن نیزه مشغول پاک کردن سوراخ پیپ شد. آن وقت، نیزه را به من نشان داد و بقلم کرد و گفت: متشکرم، پسر! این بهترین هدیه است. با آن می توانم پیپ را پاک کنم!



M. D. P.

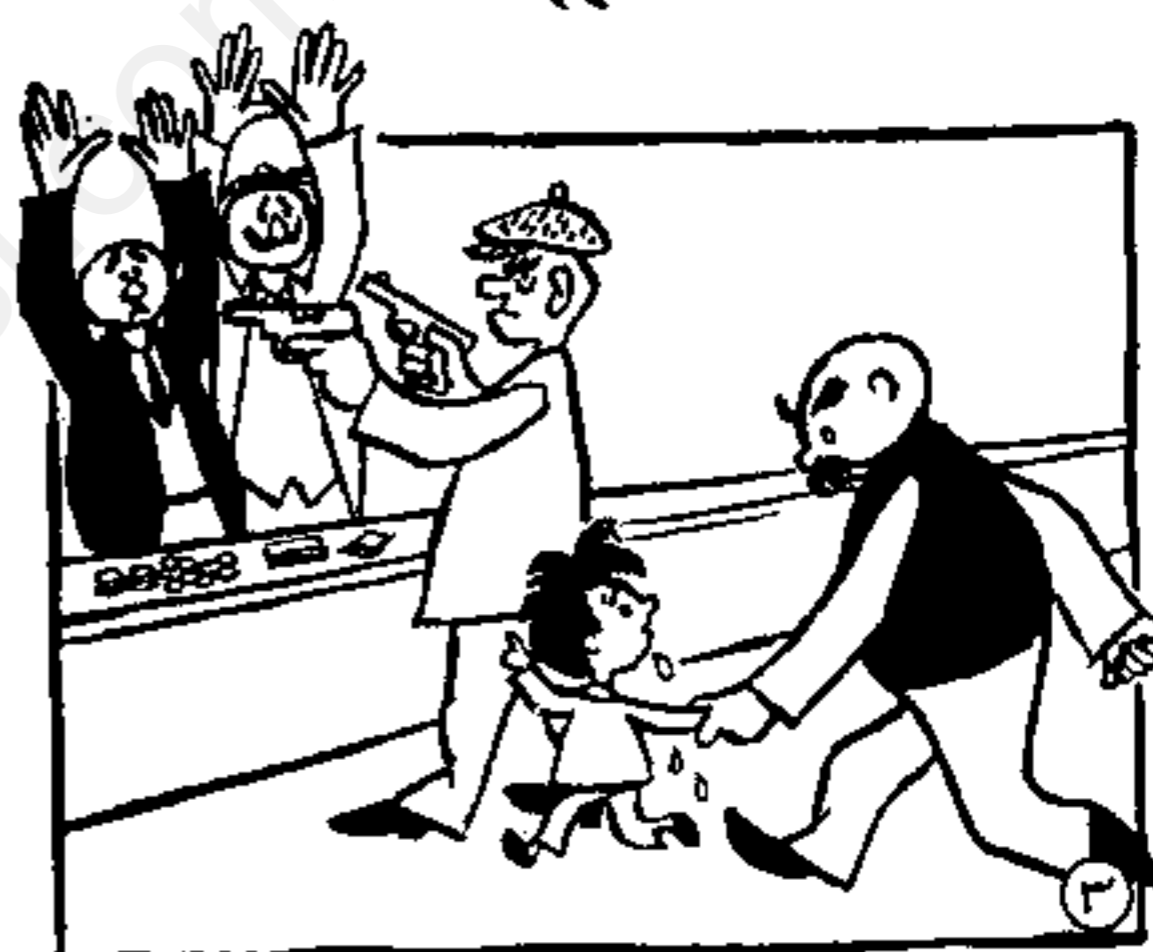
دستگیرکنندگانِ دزدِ بانک

من و بابام رفته بودیم به خیابان گردش کنیم. بابام از یک فروشگاه اسباب بازی برایم یک فریره خرید.
توی پیاده رو، جلو تر بانک، داشتم فریره بازی می کردم.
ناگهان مردی توان توان آمد. مرا انداخت زمین و با عجله رفت
توی بانک.

من داشتم از درد گریه می کردم که بابام خودش را به من رساند. به بابام گفتم: مردی که مرا انداخت توی بانک است.
من و بابام رفتیم توی بانک. بابام عصبانی بود. مشتش را آماده کرده بود تا آن مرد را بزند. آن مرد را به بابام نشان دادم.
دوتا هفت تیر در دستش بود. بابام یک مشت محکم به چانه آن مرد زد. هفت تیر های آن مرد به این طرف و آن طرف افتاد.
بابام، پشت سر هم، آن مرد را می زد و می گفت: یادت باشد که دیگر نباید توی پیاده رو با عجله بدوی و بچه ای را به زمین بیندازی!

کارکنانِ بانک و مردمی که در بانک بودند بابام را تشویق می کردند و برایش هورا می کشیدند.

پاسبانی آمد و دستبند به دستهای آن مرد زد و او را برد.
تازه فهمیدیم که آن مرد می خواست پولهای بانک را بدزدد.
مردم من و بابام را روی دست بلند کردند. یک عکاس هم آمد و از ما عکس گرفت تا توی روزنامه چاپ کند. همه آنها خیال می کردند که ما به بانک رفته بودیم تا دزد بانک را دستگیر کنیم.



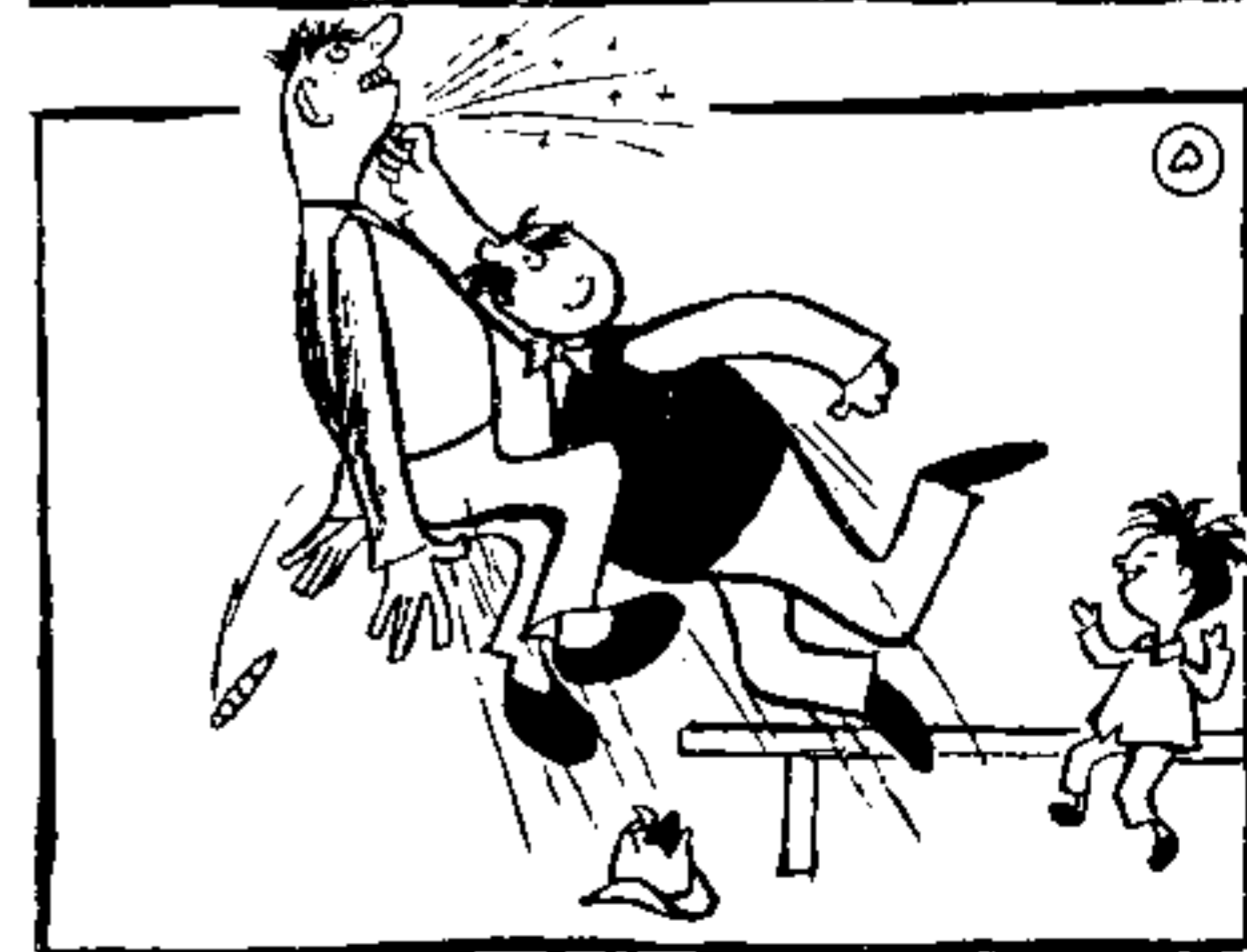
دستگیر کنندگان دزد بانک

www.arsy.com

بُردباری هم اندازه‌ای دارد!

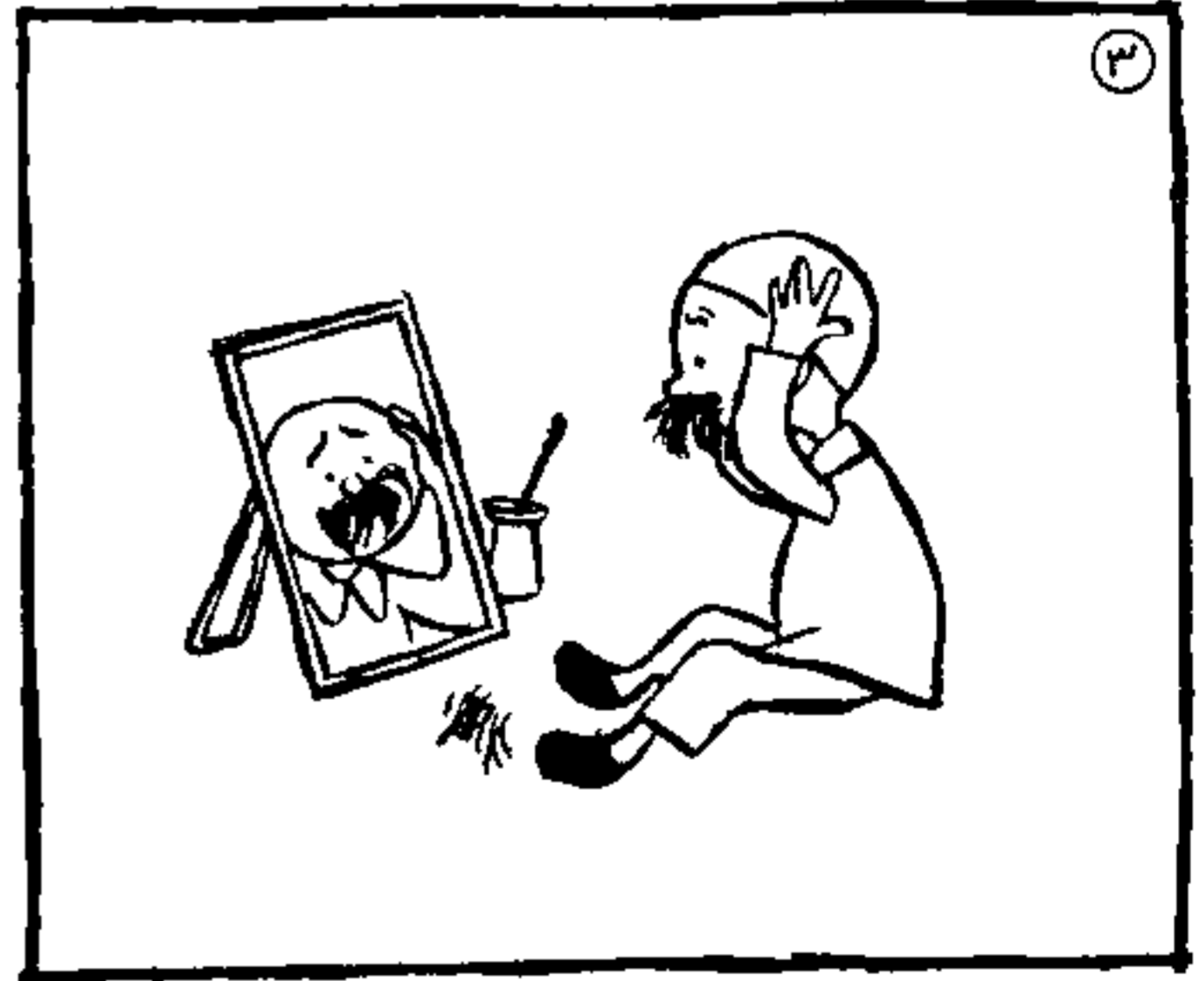
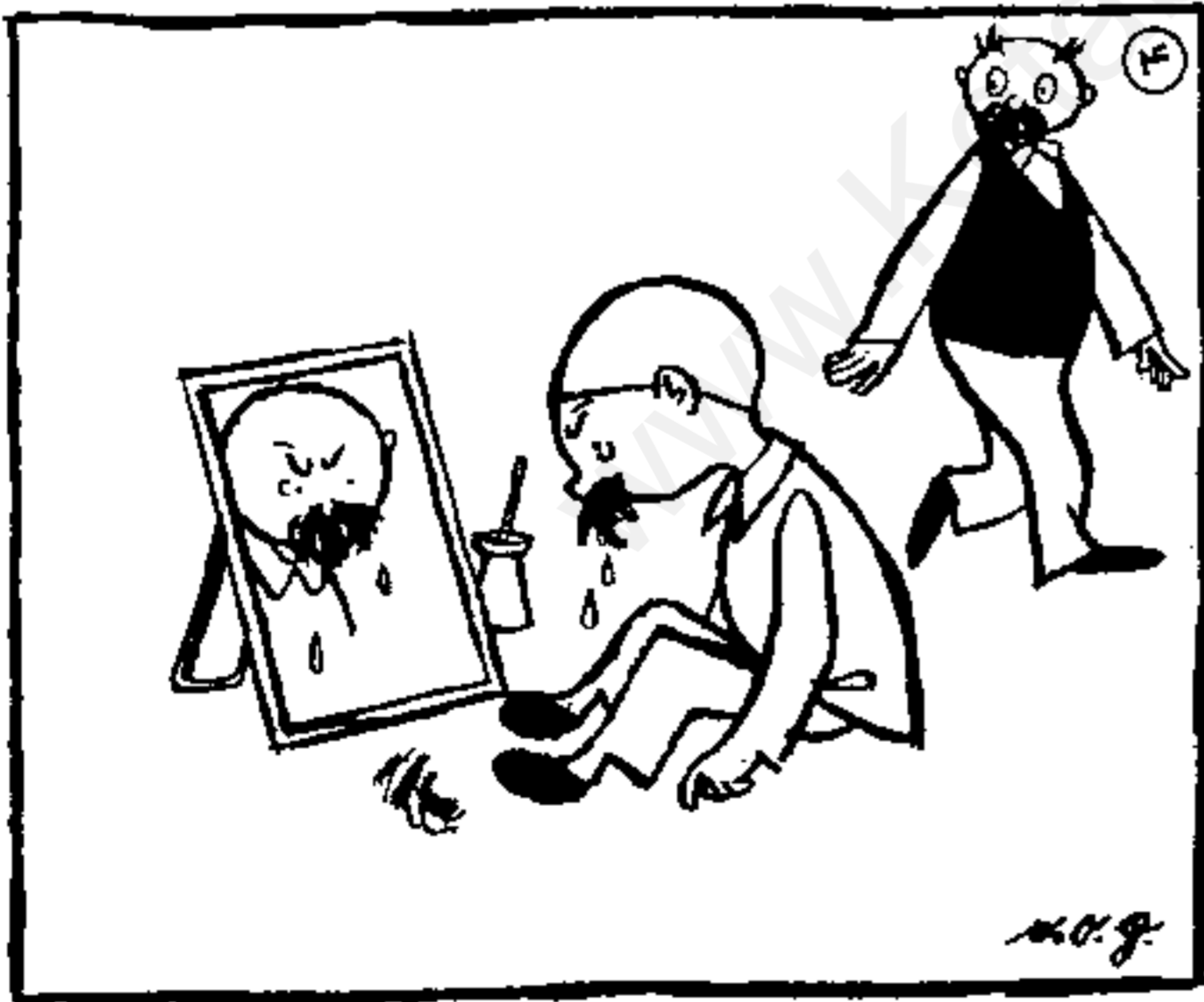
در این بردباری و جنگ، بابام یک کلاه از دست داد و من
یک بادکنک.

من و بابام رفته بودیم به پارک شهر. روی یکی از
نیمکتهای پارک نشسته بودیم. من داشتم با بادکنکم بازی
می‌کردم. بابام هم داشت روزنامه می‌خواند.
یک مرد بد اخلاق و مزاحم آمد و کنار ما نشست. من و
بابام از حرفها و کارهای بد او خیلی ناراحت شده بودیم.
آن مرد سیگار کشید و دود سیگارش را توی صورت بابام
فوت کرد. بابام حرفی نزد. کلاه بابام را برداشت و به سرِ طاسِ
بابام خندید. بابام باز هم حرفی نزد. بعد هم، با آن آنگشتِ مثلِ
چوبش، کلاه بابام را سوراخ کرد. بابام غصه‌اش شد، ولی باز
هم حرفی نزد. آتش سیگارش را به بادکنک من زد و بادکنک
مرا ترکاند. من خیلی غصه خوردم و گریه‌ام گرفت.
بابام دلش برای من خیلی سوخت. آن وقت بود که دید
بُردباری هم اندازه‌ای دارد! منشی به چانه آن مرد بداخلاق و
مزاحم زد. مرد از روی نیمکت افتاد پایین. بعد هم، همان‌طور
که سرش گیج می‌رفت، گذاشت و رفت. ما هم از دست او
راحت شدیم.



کودکی و پیری

بابام را آن قدر دوست داشتم که همیشه آرزوی کردم که
 وقتی که بزرگ شدم، شکل بابام بشوم.
 یک روز نشستم و فکر کردم که چه کار بکنم که شکل
 بابام بشوم. رفتم و کمی پشم سیاه و یک بادکنکِ گلی رنگ و
 یک شیشه چسب آوردم. آینه را گذاشتم روی زمین و جلو آن
 نشستم. پشمها را با چسب پشت لبم چسباندم تا سیبیلی به
 قشنگی سیبیلی بابام داشته باشم. بادکنک را هم روی سرم
 گذاشتم تا درست شکل بابام بشوم.
 آن وقت، توی آینه نگاه کردم و گریه ام گرفت. دلم سوخت
 که بابام آن قدر پیر شده بود!



سخنی با بزرگترها

یک کتاب تصویری

کتابی که اکنون در دست شماست یک کتاب تصویری است. کتابهای تصویری یا بدون نوشته اند، یا همراه با نوشته ای کوتاه. یا تصویر در آنها کلید فهم نوشته است. این گونه کتابها، گرچه بیشتر برای کودکان انتشار می یابند، مرز سنی ندارند و کودک و نوجوان و جوان و بزرگسال، به تناسب موضوع و سادگی و پیچیدگی تصویر، از آنها بهره می گیرند.

کتابهای تصویری بدون نوشته، که جای نمونه های خوششان در میان کتابهای کودکان کشور ما خالی است، بیشتر برای کودکان بیش از سن دبستان تهیه می شوند. هدف این گونه کتابها، گذشته از سرگرم کردن کودک، آماده کردن او برای خواندن و بهره گیری از کتاب است. انس گرفتن با کتاب، درست گرفتن کتاب، نگاه کردن به آن، تصویر خوانی، ورق زدن صفحه ها (از راست به چپ)، دنبال کردن تصویرها (از راست به چپ و سطر به سطر و صفحه به صفحه) را کودک به یاری این گونه کتابها تجربه می کند و می آموزد، و سرانجام به کشف بسیاری از نکته ها، برسی وجو کردن از دیگران و اندیشیدن درباره آنچه تصویرخوانی کرده است و دیده ها و شنیده های خود می پردازد.

تصویر خوانی بخشی از خواندن است. به همین سبب، کودک نیاز دارد پیش از سن دبستان، درخانه و مهد کودک و کودکستان و دوره های آمادگی تحصیلی، تصویر خوانی را به یاری بزرگترها بیاموزد.

تصویرها نیز، چون نشانه های تصویری صوتها (الفبا)، راز و رمزی دارند. خواندن یک تصویر، یعنی بازشناسی آن، نیاز به آموختن دارد. وسیله این آموختن تصویرهایی است مناسب و درخور فهم و بازشناسی کودک. کارتهای تصویری بدون نوشته، یا با نوشته، و صفحه های خاص تصویر خوانی در مجله های کودکان و کتابهای تصویری کودکان - اگر آگاهانه تهیه شده باشند - ابزارهای مناسبی برای آموزش تصویر خوانی به کودکان هستند.

کودک، برای گذراندن دوره آمادگی برای خواندن، نیاز به دهها کتاب تصویری مناسب دارد. نگاهی به برنامه های آموزشی مهد کودک و کودکستان و دبستان، و گنجینه کتابهای کودکان کشورمان گویای این نکته است که این مرحله از آمادگی کودک برای خواندن، یعنی تصویر خوانی، نادیده یا بسیار سرسری گرفته شده است. روشهای آموزشی تصویر خوانی و ابزارهای آن کم مایه اند. کتابهای تصویری بسیار اندک کودکان ما بازجایی ناآگاهانه از کتابهایی است که خاص کودکان سرزمینها و فرهنگهای دیگر انتشار یافته اند و بیشتر تفتنی هستند تا آموزنده. بازشناسی و موضوع تصویرهای بسیاری از آنها فقط درخور فهم و درک کودکانی است که این کتابها برایشان تهیه شده است، نه کودک ایرانی.

کودک، نازمانی که فضای ذهنی گسترده ای نیافته است و نمی تواند تجسم کند، و خواندن نیاموخته است تا به معنی واژه های نوشتاری بی برد، تصویرها می توانند برخی از اندیشه ها و پیامها را به او منتقل کنند و بُنمایه ای برای افزایش دانش پایه او باشند. از این گذشته، در مراحل نخوانی و مطالعه نیز تصویرها اغلب می توانند روشن کننده مفاهیم نوشته باشند. زیرا بسیاری از آنچه را هرگز نمی توان دید، با کلام از بیان آن بر نمی آید، به یاری تصویر می توان در ذهن مجسم کرد. به همین سبب است که تصویر خوانی را بخشی از خواندن دانسته اند.



هرگونه کتاب تصویری کودکان، خواه بدون نوشته، خواه با نوشته، باید طوری مصور شود که کودک در شناخت تصویرها شک نکند و درنماند. تصویرهای این گونه کتابها باید هنرمندانه، ساده، روشن، گویا، گیرا، منطبق بر واقعیت، درست و دقیق، و مربوط به یکدیگر باشند. اگر در آنها رنگ به کار برده می شود، رنگها همان باشند که کودک در طبیعت ویراموشش، در گل و گیاه و جانور و چیزها، می بیند. مصوّر کتابهای تصویری کودکان باید نقاشی هنرمند باشد که تصویرها را عکاسی کند، نه نقاشی. یک سوی دیگر هنر نقاشی حذف کردن است، و هنرمندی که کتاب تصویری کودکان را نقاشی می کند باید به خوبی این هنر را به کار بگیرد تا پیام تصویر در میان خطها و رنگهایی که به کار نمی آیند گم نشود. موضوع و پیام این گونه کتابها نیز باید دست کم پاسخگوی یکی از نیازهای کودک، یعنی دلپذیری و سوهمنندی، باشد و به پرورش رشد ذهنی کودک کمک کند.

کتاب قصه های من و بابام، به صورتی که به کودکان دلنبد کشورمان هدیه شده است، یکی از نمونه های خوب کتابهای تصویری است. مصوّر کتاب هم شاعر و نویسنده ای است آگاه و هم نقاشی بسیار هنرمند. شعر

می کند و در یک خط داستانی تا پایان آخرین کتاب به هم پیوند می دهد. برخی از بزرگترها نیز که - به سببی که گفته شد - تصویرخوان نیستند، به کمک این نوشته ها می توانند کودک را در دریافت پیام تصویرها یاری دهند یا با او گفت و شنودی آموزنده داشته باشند. نوشته ها و تصویرها، در کنار هم، برای کودکان ۸ تا ۱۲ سال یک کتاب تصویری و خواندنی دلپذیر و سودمند پدید آورده است.

نوشته ها به زبان و بیان گفتاری نزدیک شده است تا بلند خوانی آن، به وسیله بزرگترها برای کودکان ۳ تا ۷ سال، دلپذیر باشند. با این همه، بزرگترها تواناییها و میزان دانش پایه کودک خود را بهتر می شناسند و در بلند خوانی هر فاصله زبانی را به کار می گیرند که بیشتر درخور فهم و درک کودک باشد.

درست این است که کودک برانگیخته شود تا نخست فقط مجموعه تصویرهای هر قصه را، با توجه به نام آن قصه ببیند و رابطه و پیوند آنها و سرانجام قصه را خود کشف کند و دریابد و سپس متن قصه برایش بلندخوانی شود. یا خود این متن را بخواند.

برای کودکانی که هنوز فن خواندن را نیاموخته اند، نام قصه را، پیش از آنکه تصویرخوانی را آغاز کند، باید خوانند بهتر است این گونه کودکان، نخستین بار، هر قصه را به کمک بزرگترها تصویرخوانی کنند تا هم راه و روش تصویرخوانی را بیاموزند و هم اگر نوشته ای در متن تصویر آمده است، آن نوشته برایشان بلندخوانی شود.

در برخی از تصویرها، چون کتاب اصلی، نوشته هایی با متن تصویر بافته شده است. این نوشته ها، با توجه به بازپرداخت کتاب، ناگزیر تغییر یافته و به فارسی نیز برگردانده شده است. بیگمان کودک، خود یا به کمک بزرگترها، درخواست یافت که نوشته های قهرمانان این قصه ها و آنچه در فضای تصویر به چشم می خورد، به سبب محیط رویدادها، می بایست به آلمانی باشد، نه فارسی.



نام داستانی بعضی از مجموعه تصویرها هم تغییر داده شده است. از اینها گذشته، بر پایه پیام پدید آورنده اثر و نیاز کودک ایرانی به روشن کردن این پیام و مفاهیم پیچیده برخی از تصویرها، داستانی از آغاز تا انجام برای این سه کتاب تصویری بدون کلام نوشته شده است.

تصویرهای هر کتاب، به تنهایی یک کتاب تصویری بدون نوشته است و می تواند وسیله ای کارآمد برای تصویرخوانی کودکان ۳ تا ۷ سال باشد که هنوز فن خواندن را نیاموخته اند. نوشته هایی که همراه با تصویرهای هر قصه، در صفحه ای جدا، آمده است به صورتی تهیه و ساده نویسی شده است که کودکان دبستانی، از پایان کلاس دوم به بعد، به آسانی بتوانند آنها را بخوانند و به معنی و مفهوم نوشته و پیوند آن با تصویرها پی ببرند. اعرابگذاری واژه های دشوار به این گروه از کودکان کمک می کند تا این گونه واژه ها را درست تلفظ کنند و معنی آنها را دریابند. یا از دیگران بیاموزند و معنی آنها را بیابند. از این گذشته، نوشته ها پیام بعضی از تصویرها را که برای کودک ایرانی ناشناخته است روشن

و نوشته او، چون هسته ای در درون میوه، در تصویرهای هنرمندانه اش نهفته است. پیامی دارد که آن را در سراسر کتاب دنبال می کند. پیامش انسانیت است، عشق و امید، باکی و صفا، مهر و دوستی است. آن را به گونه ای بسیار دلپذیر و سودمند و آموزنده تصویر کرده است. به آن چاشنی طنز افزوده است تا گوارای هر ذهن مشکل بسندی باشد. تصویرهای هنرمندانه است و بیشتر به عکسهای می ماند که خطها و فضای افزون بر نیاز آنها حذف شده باشد. در سراسر کتاب حتی یک خط در تصویری نمی توان یافت که برای انتقال پیام به آن نیاز نباشد. تصویرها به تنهایی سخن می گویند و بیانگر پیام پدید آورنده اثرند، و به راستی برای کودکانی که این کتاب برایشان پدید آمده است نیازی به کلام ندارد.

بازپرداخت کتاب و بهره گیری از آن

این کتاب، با توجه به دانش پایه و نیازهای کودک ایرانی، به صورتی بازپرداخت و نوشته شده است که بتواند بیشتر درخور فهم و درک باشد و گروه بیشتری را به کار آید. در این بازپرداخت، تصویرهای هر سه کتاب اصلی جابه جا شده اند تا هر مجموعه از آنها زیر عنوانی قرار بگیرند و بر روی هم یک خط داستانی پیگیر را دنبال کنند. برای هر کتاب عنوانی برگزیده شده است تا خط داستانی را، پس از معرفی قهرمانان و بیان رویدادها، در آخرین کتاب به اوج و پایان برساند. تصویرها از راست به چپ تنظیم شده اند تا با خط حرکت چشم کودک فارسی زبان هماهنگ باشند. از ۱۵۰ مجموعه تصویر سه کتاب اصلی ۹ مجموعه تصویر، که با فرهنگ و نیاز و فهم کودک ایرانی سازگاری ندارند، کنار گذاشته شده است. به همین سبب، در چند تصویر هم تغییری بسیار اندک داده شده است تا در شمار تصویرهایی فرار نگیرند که آوردن آنها در کتاب دشواریهایی را سبب شود. در

شده است.

صدونجه‌ها داستان تصویری بدون نوشته پدر و پسر، در اصل نیز، در سه کتاب انتشار یافته است. هر داستان فقط عنوانی دارد و در بعضی از آنها نوشته هایی بسیار کوتاه با متن تصویر درهم آمیخته است. فه‌مانان داستانها بدی میانسال و بسری هشت - نه ساله اند. مهر و شادی و طنز بنمایه داستانهای زندگی این دو فه‌مان است.

پدر و پسر ساده دلند و براحساس. با همد و یار و یاور هم. به همین سبب، نیروهایشان را در مبارزه با سختیهای زندگی در یک جهت به کار می گیرند. هر دو تلاش می کنند تا با رویدادهای زندگی سازگار باشند و بر تلخیها و بیخامدهای ناگوار بیروز شوند. فریب نمی خورند و تحت تأثیر رفتارهای ناسند دیگران فرار نمی گیرند. در برابر ناکامیها از پا در نمی آیند و خود را نمی بازند. استوارند و وفادار به شخصیت خود. به همین سبب، بیشتر راه درست را می یابند و بر تیرنگهای زندگی جیره می شوند. می دانند چه می خواهند و همان کار را می کنند که می خواهند. رفتاری ثابت دارند. لحظه ای خوب و لحظه ای بد نیستند. ثبات این دورا نقاش حتی در لباس و چهره آنها در تمامی داستانها پیگیری کرده است. پدر جلیقه ای سیاه بر تن دارد. این رنگ سیاه در سراسر کتاب برجای مانده است. پسر نیز همواره لباسی یکسان و مویی آشفته دارد.

پدر و پسر بیوندی مهرآمیز با هم دارند. هر پدر و پسر را بر می انگیزند تا شخصیت آنها را در خود بجوید و آرزو کند که چون آنها باشد. محبوبیت آنها تنها در این نیست که خنده آورند. بیشتر برای این است که دو سر مشق بیوند مهرآمیز یک پدر و یک پسرند. برتری پدر و فرمانروایی پدرانه او در این بیوند نقشی جدایی آفرین ندارد. در میان مهر و دوستی پدرانه، گاهی سر، به سبب کاری ناپسند، تنبیه می شود. سر هم، هر زمان که احساس می کند که حق با اوست، پدر را به مبارزه می طلبد و در برابر ستمی که بر او رفته است



آنچه را بعضی از بزرگسالان می سنجند که باید باشد. او هر مرد است. به «مربی». به این سبب، در بعضی از قصه ها دید هنرمندان او با دید یک مربی نکته سنج و گاه بسیار سختگیر - که هرگز نمی خواهد بدیها و رفتارهای ناپسند را کودک ببیند و احساس کند - تفاوت بسیار دارد. گرچه این گونه سختگیرها در کار تعلیم و تربیت جای تأمل و بحث فراوان دارد، و تعلیم و تربیتی که بر پایه واقعیتهای زندگی نباشد انسان نمی برورد، به احترام رأی بعضی از مربیان جامعه خود - که عقیده ای جز این دارند - این گونه قصه ها در این بازپرداخت نیامده است. از این گذشته، درمثنی که برای هر قصه نوشته شده است، به این نکته توجه

نخستین بار کودکان کشور ما در مهرماه ۱۳۴۶ با قصه ای از «قصه های من و بابام» آشنا شدند. ۱ از آن پس نیز، تا فروردین ماه ۱۳۵۳، یکی از این قصه ها بر پشت جلد هر یک از شماره های مجله پیک نوآموز نقش می بست، و در پی انتشار هر شماره، صدها نامه از کودکان و مربیان آنها به دفتر مجله می رسید. کودکان و گاه بزرگترها با مهر بسیار شادیهایشان را از انتشار این قصه ها با ما در میان می گذاشتند. گهگاه نیز بعضی از بزرگترها بر ما خشم می گرفتند که برخی از این قصه ها رفتارهایی ناپسند به کودکان می آموزد.

«قصه های من و بابام»، که اینک در سه کتاب به کودکان دلبد کشورمان هدیه می شود، بازپرداخت کتابی است تصویری به نام «پدر و پسر» (Vater und Sohn) اثر جاودانه اِریش اُزر (Erich oh Ser) نقاش هنرمند و توانای آلمانی. در این بازپرداخت، هم به نامه های بیشمار کودکان و شوق و ذوقشان از دیدن این قصه های تصویری و خواندن هر قصه توجه شده است. و هم به رهنمودهای مربیان سختگیر و مشکل بسند. با این همه، گفتنی است که اِریش اُزر در دید آوردن این قصه ها به نزدیکتر کردن کودک و پدر و پسر و مهر آمیز و دوستانه میان آن دو بیشتر توجه داشته است تا برخی از اصول تربیتی فرار دادی که ما بزرگسالان در تعلیم و تربیت کودکان بر آنها تکیه داریم. او می کوشد تا تلخیها و شیرینیها و اندوهها و شادیهای زندگی را با طنزی دلنشین بر زمینه ای از واقعیت تصویر کند. آنچه را هست می بیند، نه

(۱) در سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ یکی از روزنامه ها در صفحه مخصوص کودکان و مجله ای که برای این گروه انتشار می دهد، به چاپ برداشتی از این قصه ها، با تکیه بر آنچه در مجله پیک نوآموز آمده بود، پرداخت.

ایستادگی می کند.

بدر و بسر در سادگی و آرامشی کودکانه به سر می برند. با آنچه دارند می سازند و دلخوشند. ظواهر فریبده زندگی را مسخره می کنند و از آنها می گریزند. حتی هنگامی که ناگهان هردو ثروتمند می شوند، با ثروت بازی می کنند، نه زندگی. کسی که می تواند بخرد تلاش می کند تا همه دنیا را بخرد و به چنگ بیاورد. ثروت و شهرت محکهای هستند برای سنجش شخصیت انسانها. بدر و بسر از این آزمایش بیروز بیرون می آیند. ثروت و شهرت را به بازی می گیرند و از آنها می گریزند. تنهایی در ثروت و شهرت را با تنهایی در جزیره ای دور افتاده عوض می کنند. چون روبنسون کروزو (Robinson Crusoe) قهرمان داستان دنیل دفو (Daniel Defoe)، نویسنده انگلیسی، در آن جزیره متروک روزگاری گذراندند و بردشوارها بیروزی شوند. هنگامی هم که از آن جزیره نجات می یابند، برای از دست دادن جزیره شان اشک نمی ریزند. آنها یکدیگر را دارند و به آنچه گذشته است و آنچه نیامده است دل بسته اند. شادی زندگی را در لحظه ای که با هم هستند می جویند. سرانجام نیز، دست در دست هم، راه دراز زندگی را پشت سر می گذارند. از بلیدها می گریزند و به باکی و صفای آسمان بناه می برند. در آسمان نیز، چون ماه و ستاره، با همند و بر مردم ساده دل و مهربان زمین نور می پاشند و به آنها لبخند می زنند.

کتاب پدر و بسر سالهاست که در میان کودکان بسیاری از کشورهای جهان محبوبیتی روزافزون داشته است. چهره های شاد بدر و بسر را همه کودکان دوست دارند و از دیدن آنها و بی بردن به ماجراهای طنزآمیز زندگی شان لذت می برند. مداد رنگی و رنگ و قلم مو برمی دارند و به دلخواه خود تصویرهای داستان را رنگ می کنند. شاید به همین سبب بوده است که ایریش از در تصویرهای هنرمندانه اش رنگی دیگر به کار نبرده است تا از این راه نیز پیوندی مهر آمیز و جاودانی با کودکان داشته باشد، و این کودکان هستند

که اثر هنری او را به صورت یکی از شاهکارهای فنناپذیر جهان در آورده اند.

همان گونه که در سال ۱۳۴۶ در یغم آمد که کودکان دلیند کشورمان از این اثر محروم بمانند و آن را سالها، به گونه ای دیگر، نقش صفحه ای از مجله پیک نوآموز کرده بودم، اکنون که سبب و فرصتی دیگر پیش آمده است، در یغم آمد که کودکان ما این کتاب را، که در گنجینه ادبیات جهانی کودکان اثری برجسته است، دردسترس نداشته باشند. آنچه من در برابر هنر والای بدید آورنده اثر انجام داده ام فروتنی است و ستایش.

پدید آورنده «پدر و پسر»

سه جلد کتاب پدر و پسر فقط اشاره ای دارد به بدید آورنده این اثر. فراتر از آن را نه در فرهنگنامه ای توانستم بیابم و نه در نوشته و کتابی دردسترس. آنچه در زیر می آید بر پایه یادداشتی است که در سال ۱۳۴۶ در پاسخ نامه ای در این باره از سفارت جمهوری آلمان فدرال دریافت کردم و گفت و شنودی که با تتی چند از پژوهشگران ادبیات کودکان در شهرهای برلین و کلن در این زمینه داشته ام.

ایریش ازر، که نام مستعار هنری خود را بر آثارش پلاوئن (E.O. Plauen) گذاشته است، در سال ۱۹۰۳ در شهر پلاوئن ۳ به دنیا آمد و در ۱۹۴۴ در برلین درگذشت. کودک بود که از رنج و کشتار جنگ جهانی اول جان به دربرد، و هنوز جوان بود که با زندگی اندوهبار خویش، در جنگ جهانی دوم بدرود گفت. آن قدر نماند تا سالی دیگر بر عمرش

۲) امضای هنری او چنین بود: *E.O. Plauen* که کوتاه شده نام و نام خانوادگی او، و نام زادگاهش است.

۳) Plauen امروز شهری است در جنوب جمهوری دموکراتیک آلمان (آلمان شرقی)، نزدیک مرز آلمان غربی و چکسلواکی.

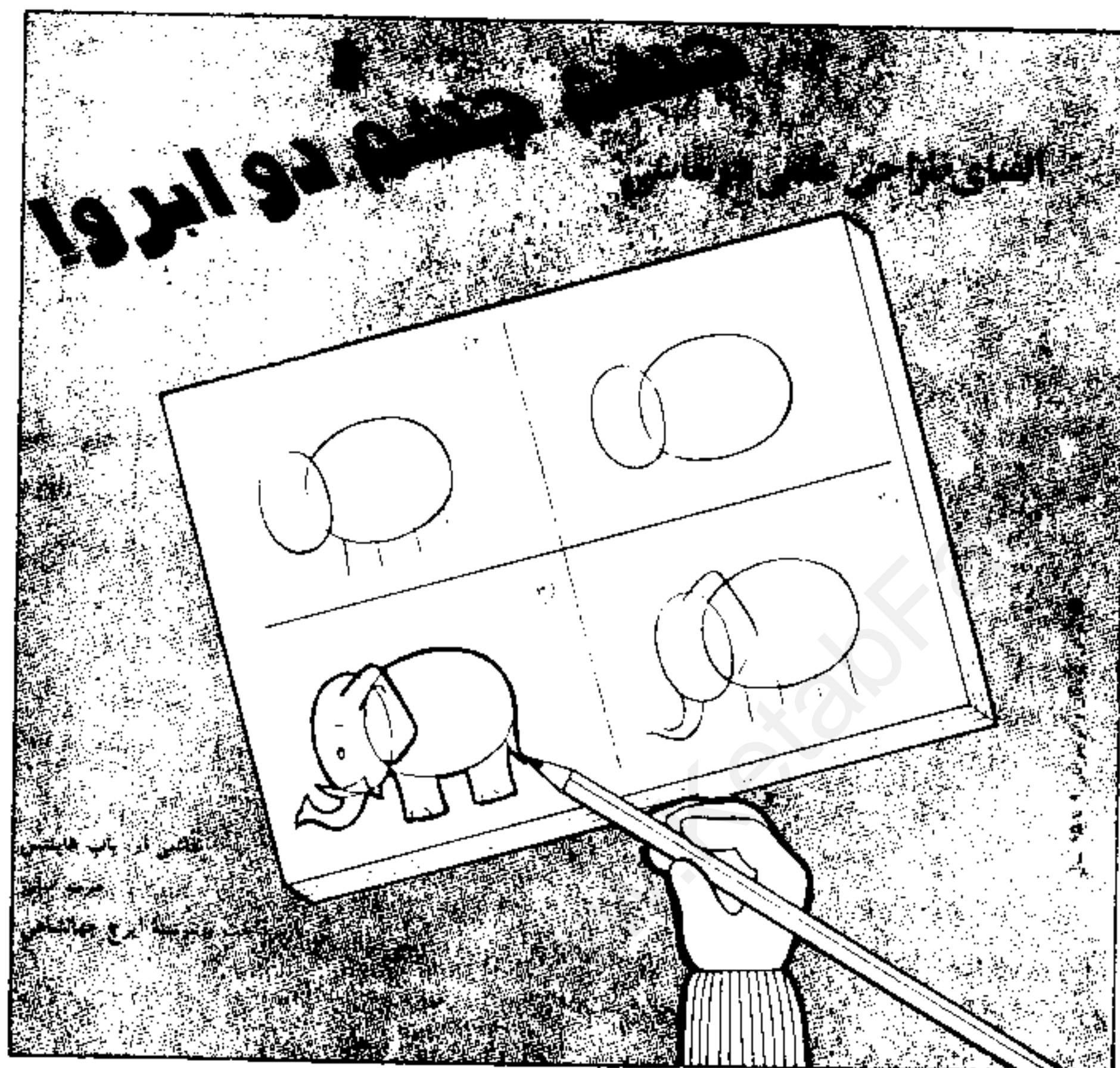
بگذرد و در پایان ویرانیه و خونریزیها و در به دریه و تنگدستیها، چون قصه ای از قصه هایش، بر سر نوشت جنگ افروزان لبخندی طنزآمیز بزند.

ایریش ازر نقاشی هنرمند بود. کاریکاتورهای سیاسی او در روزنامه های آلمانی آن زمان شهرت فراوان داشت. مردی مهربان بود. طبیعت و جانوران و عواطف و احساسات صادقانه و بی براینه کودکان و شیفته های آنها را بسیار دوست می داشت. هنگامی که همسرش را از دست داد، برای سرگرم کردن تنها فرزند خردسالش، قصه هایی از فراز و نشیبهای زندگی می آفرید و با شوخی و طنزی دلنشین تصویر می کرد، و بدر و بسر زمانی براز مهر و صفاو شادی را در کنار هم می گذراندند. همین تصویرها مایه اثری فنناپذیر در ادبیات کودکان شد که در سال ۱۹۲۶ در سه جلد کتاب، به نام پدر و پسر، انتشار یافت. نامه هایی که کودکان بس از انتشار این کتاب برای ایریش ازر فرستادند بیشمار بود. هنگامی که این هنرمند در شهری به کلاس درسی می رفت، کودکانی که او را از راه کتابش شناخته بودند به دورش حلقه می زدند و مقلمش را گرمی می داشتند. بس از مرگش، بسیاری از کودکان، در آلمان و کشورهای دیگر که کتابش به آن سرزمینها راه یافته بود، در مرگ او گریستند و نامه های تسلی بخش فراوان برای پسر واقعی اش، کریستیان (Christian) فرستادند.

به راستی مرگ او پایان زندگی اش نبود. نامش و یادش، چون این اثرش، جاودانه است و همواره در دل کودکان با عشق و دوستی و شادی زنده باقی خواهد ماند. او کوتاهترین راه را برای رسیدن به زندگی جاودانی برگزیده بود: از قلب نقاشی هنرمند و نویسنده و شاعر به قلب کودکی بر احساس و ساده دل و مهربان.

مردادماه ۱۳۶۱

ایریش ازر



واژه ، بخش کتاب کودک و نوجوان انتشارات فاطمی ،
منتشر کرده است :

چشم چشم دو ابرو ۱

برای کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال

کتابی است که الفبای طراحی علمی در نقاشی را گام به گام به کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال می‌آموزد. در این آموزش، هم به آزادی نقاش در نقاشی توجه شده است و هم بهره‌گیری از دانشی که باید در ریزه‌کاریهای ساختمان بدن انسان، جانور، و اندامهای گل و گیاه و ... داشته باشد. کتاب، در پایان، چگونگی پدید آوردن یک تابلو را به کودکان و نوجوان می‌آموزد.

چشم چشم دو ابرو ۱

واژه، بخش کتاب کودک و نوجوان انتشارات فاطمی،
منتشر کرده است:

قلم موی جادو



بر اساس افسانه‌های کهن از سرزمین چین
بنیاد: آرزو، قلم‌نمده ایرانی
تألیف و تصحیح: آرزو، قلم‌نمده ایرانی

● تولید و تصویرخوانی برای کودکان ۵ تا ۷ سال
● خواندن برای کودکان ۸ تا ۱۲ سال

قلم موی جادو

برای کودکان ۵ تا ۱۲ سال

افسانه‌ای است کهن از سرزمین چین که بر اساس نقاشیهای هنرمندان قدیمی، نقاشی جوان و پُراحساس، برای کودکان ایرانی بازپرداخت و نوشته شده است.
پیام افسانه مبارزه با ستمگران و ثروتمندانی است که سبب فقر دیگران می‌شوند. از مبارزه با کسانی سخن می‌گوید که دیگران را در فقر و ترس نگه می‌دارند تا خودشان تاراجگر و ستمگر باقی بمانند.

قلم موی جادو

بها بیست تومان

واژه، بخش کتاب کودک و نوجوان مؤسسه انتشارات فاطمی، می‌کوشد تا زمینه‌های خالی و کمیاب خواندنیها و ادبیات کودکان و نوجوان را با انتشار کتابهای مناسب و آموزنده پر کند.

واژه منتشر کرده است

□ **کنراد پسرک ساخت کارخانه**
برای کودکان ۹ سال به بالا و نوجوانان
و برای مادران و پدران

□ **شاخهای ملوس**
برای کودکان ۸ تا ۱۲ سال

□ **شیشه عمر**
برای کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال

□ **وحشتناکترین حیوان دنیا**
برای کودکان و نوجوانان ۱۰ تا ۱۵ سال

□ **آدم کوچک و خوابهای بزرگ**
برای کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۲ سال

□ **باغ وحش آسمان**
برای کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۲ سال

□ **ستاره سرزمین رویا**
برای کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال

□ **رسم ما، سهم ما**
داستانی براساس آیینهای مردم جنوب ایران
برای کودکان و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال

□ **موج بزرگ**
زندگی از مرگ قویتر است.
برای کودکان و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال

□ **یک میلیون**
برای کودکان ۹ تا ۱۲ سال

□ **ازوپ در کلاس درس**
۶۶ نمایشنامه پندآموز
برای کودکان ۸ تا ۱۲ سال
و مربیان و معلمان آنها

□ **آنانسی، آدم عنگیوتی**
قصه‌هایی از سرزمین جامائیکا
برای کودکان ۹ تا ۱۲ سال

□ **کوکو، پرندۀ ساعت**
برای کودکان ۸ تا ۱۰ سال

□ **غزوه‌های حضرت محمد (ص)**
در ۴ کتاب، برای نوجوانان.

□ **قصه‌های من و بابام**
از برجسته‌ترین کتابهای تصویری کودکان جهان
در ۳ کتاب، برای کودکان ۳ تا ۱۲ سال

□ **چشم، چشم، دوروبر!**
الفبای طراحی علمی در نقاشی
برای کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال

□ **قلم موی جادو**
افسانه‌ای کهن از سرزمین چین
برای کودکان ۵ تا ۱۲ سال

□ **۴۲ بازی با ۲۴ چوب کبریت**
برای کودکان و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال

□ **بازیهای ورزشی برای رشد ماهیچه‌ها**
برای کودکان و نوجوانان ۸ تا ۱۵ سال
و مربیان و معلمان آنها

واژه منتشر می کند

□ آنکه آمد، آنکه رفت

داستان کوتاه برای کودکان ۹ تا ۱۲ سال

□ از فرق سر تا نوک پا

ساختمان بدن کودک و بهداشت بدن

برای کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال

□ بازی با عدد

برای کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال

□ چیستانها

برای کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال

□ انگلیسی برای کودکان ۷ تا ۹ سال

در سه کتاب همراه با نوار

□ ایتمکی پیتکی

داستان کوتاه برای کودکان ۹ تا ۱۲ سال

□ نگاهی به تاریخ علم

کتابهای دیگری است از مجموعه نگاهی به تاریخ علم، برای نوجوانان، که قبلاً پانزده کتاب آن انتشار یافته است. انتشار این مجموعه ادامه دارد.

○ پیدایش زندگی ○ کامپیوترها ○ آبررسانایی

○ ژنها و ژنتیک ○ روباتها ○ انرژی خورشیدی

○ جَو زمین ○ کیهان ○ آتشفشانها

○ سرعت نور ○ خون ○ فتوسنتز

○ نور خورشید ○ زغال سنگ

○ مغز آدمی ○ زندگی در اقیانوس

□ روبهک

برای کودکان ۸ تا ۱۲ سال

□ نگاهی به تاریخ علم

در ۱۵ کتاب، با اشاره به زندگینامه

۲۷۰ تن دانشمند و پژوهشگر در

زمینه های گوناگون علمی

برای نوجوانان:

○ فازه قطب جنوب

○ الکتروسیته

○ میکروها

○ دنباله دارها

○ دینوزورها

○ سیاهچاله ها

○ شکل زمین

○ زمین لرزه

○ اتم

○ عدد

○ انرژی

○ نفت

○ انرژی هسته ای

○ انسان در فضا

○ ویتامینها



این کتاب مال من است:

نام من:

پس من:

نشانی خانه‌ام: شهر

خیابان

کوچه

شماره

این کتاب را در تاریخ به من هدیه کرده است.

این کتاب را در تاریخ از خریده‌ام.

این کتاب را به کمک خوانده‌ام.

این کتاب را در تاریخ خوانده‌ام.

نظرم درباره این کتاب:

قصه‌های من و بابام در سه کتاب منتشر شده است:

- کتاب اول: بابای خوب من
- کتاب دوم: شوخیها و مهربانیها
- کتاب سوم: لبخند ماه

www.KetabFarsi.com

یکی بود، یکی نبود. یک پدر بود و یک پسر بود. این قصه نیست. پدر نامش اِریش اُزِر بود و در سال ۱۹۰۳ در شهر پلاوِن در آلمان به دنیا آمده بود. دوره دبیرستان را گذراند و در دانشکده هنر در شهر لایپزیگ هنر نقاشی را آموخت. بیست و هشت ساله بود که پسرش، کریستیان، به دنیا آمد. همان طور که در عکس می بینیم، این پدر و پسر به راحتی بودند و قصه هایشان هم فقط قصه نیست.

اِریش اُزِر در دورانی زندگی می کرد که آلمان گرفتار حکومت دیکتاتوری و استبدادی هیتلر و یاران فاشیست او شد. اِریش اُزِر از راه نقاشی کردن با این حکومت و ظلم و ستم فرمانروایان کشورش مبارزه می کرد. برای روزنامه های آن زمان کاریکاتورهای سیاسی می کشید. به همین سبب، فرمانروایان آلمان از او و کارهایش خوششان نمی آمد و نمی گذاشتند نقاشیهایش در روزنامه ها و کتابها چاپ شود. از آن پس بود که اِریش اُزِر نقاشیهایش را با نام پلاوِن امضا می کرد.

عاقبت هم او را پس از چاپ کتاب کاریکاتورهای سیاسی اش، در سال ۱۹۴۰ به زندان انداختند. می خواستند محاکمه اش کنند، ولی اِریش اُزِر که می دانست به دست فاشیستها کشته خواهد شد، در ۵ آوریل ۱۹۴۴ در زندان خودکشی کرد. اِریش اُزِر، گذشته از کاریکاتور سیاسی، برای پسرش هم قصه های دلنشین و خنده دار می گفت و آنها را نقاشی می کرد. این قصه ها، که فقط نقاشی است و نوشته ای به همراه ندارد، یکی از برجسته ترین کتابهای کودکان جهان است و به نام پسر و پدر در بسیاری از کشورهای جهان بارها به چاپ رسیده است. سه کتاب قصه های من و بابام برداشتی است از این قصه های تصویر. که برای کودکان ایرانی بازپرداخت و نوشته شده است.



۱۱۰۵۰۸۴